

تبیین مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان (مطالعه موردی: شهر اردبیل)^۱

معصومه عالم راثی^{*}, قاسم مطلبی^{**}, منوچهر فروتن^{***}, سارا جلالیان^{****}

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

چکیده

نمای بنا از مهمترین عنصر در شکل پردازی یک بناء و بر حس ارزیابی ناظران از کلیت کالبد تأثیرگذار است. نمای بناء در ارتباط مستقیم با ساکنان بنا است که لازم است واجد مؤلفه‌های معنادار محیطی باشد تا زمینه ادراک و خواش مطلوب را برای ساکنان فراهم آورد. امروزه ادراک معنای نماها بیشتر در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گرفته و معنای نماها در مقیاس معماری و از دید ساکنان بنها کمتر مورد پژوهش متخصصان عرصه معماری قرار گرفته است. لذا پژوهش حاضر در پی ارائه مدل مفهومی از معنای مؤثر بنهاست. از همین رو پژوهش می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که مدل مفهومی معنای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل از دیدگاه ساکنان چیست؟

این پژوهش دارای رویکردی ترکیبی است. بخش کیفی با استفاده از روش نظریه داده بنیاد و بخش کمی با استفاده از تحلیل همبستگی انجام گرفته است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ساکنان اردبیل بوده است و در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخت بوده که روایی و پایابی آن بررسی شده است. برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار مکس کیودا استفاده شده است و با استفاده از شیوه کدگذاری باز، محوری و انتخابی، داده‌ها تجزیه و تحلیل شدند. پس از استخراج عوامل مؤثر بر معنا در نما، مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل تبیین شده است. عوامل مختلفی در معناده‌ی نما مؤثرند که این معنایها در بستر عوامل کالبدی، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر شکل می‌گیرند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحلیل عوامل مؤثر در معناده‌ی نماهای آپارتمان‌های مسکونی که بر مبنای نظر ۲۵ نفر از ساکنان صورت گرفت، به شناسایی عوامل سازنده معنا در نما منجر شد که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است. با توجه به یافته‌های بدست آمده از تحلیل همبستگی و تحلیل کمی، می‌توان بیان نمود که روایی مدل مفهومی و روابط عوامل آن به طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

معنای نما، آپارتمان‌های مسکونی اردبیل، نظریه داده بنیاد، نما

۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مدلی جهت ارزیابی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان و شهروندان (مطالعه موردی: آپارتمان‌های شهر اردبیل)» به راهنمایی نگارنده دوم و سوم و مشاوره نگارنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان است.

* دانشجوی دکتری، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

m.alamrasi@iaurmia.ac.ir

motalebi@ut.ac.ir

m.foroutan@iauh.ac.ir

jalaliansara@yahoo.com

** دانشیار، گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

*** استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

**** استادیار، گروه معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

مقدمه

نما به معنای صورت ظاهر، منظره خارجی ساختمان است (معین، ۱۳۸۷: ۱۱۲۹). این واژه، در لغت نامه دهخدا به معنای منظره خارجی بنا و عمارت، آنچه در معرض دید و برابر چشم است، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۴۵: ۷۷۱). منظور از نما، جبهه خارجی ساختمان است که از لحاظ عماری جلو ساختمان می‌باشد و گاه با جزئیات پر تکلف معماری از جبهه‌های دیگر ساختمان تمایز شده است (هاریس، ۱۳۹۳: ۴۳۷). در پژوهش حاضر منظور از نما، فاساد^۱ می‌باشد. ریشه لغوی کلمه فاساد از کلمه لاتین *فیسیز*^۲ است که متراffد با کلمه *فیس*^۳ به معنی «چهره» صورت و ظاهر می‌باشد. بنابراین اگر ما راجع به چهره یک ساختمان یعنی نمای آن صحبت کنیم، منظورمان تمامی قسمت‌های جلویی ساختمان است که رو بروی خیابان قرار دارد (کریر، ۱۳۸۰: ۶۶).

نمای ساختمان مهمترین عنصری است که معماری آن را بیان می‌کند (توسلی، ۱۳۷۶: ۸۱) و یکی از مهمترین اجزا بصری شهر می‌باشد (Mutlu Danaci, Kiran, 2020: 223). در واقع بخش مهمی از تصویرپردازی هنرمندان معمار و هنرهای تجسمی در نما تحقق می‌یابد (معماریان، ۱۳۹۳: ۱۷۶). نما، چهره ساختمان است که قابلیت بیان عملکرد و اهمیت آن را دارد (کریر، ۱۳۷۶: ۵۰). سازمان فضایی یا همان نظام موجود در میان عناصر و اجزا شکل‌دهنده فضا، نقش مهمی در ادراک معانی و مقایم فضا بر عهده دارند (سلطانی مهرداد، ۱۳۹۱). علاوه بر سازمان فضایی داخل بنا، نمای بنا هم نقش مهمی در انتقال و دریافت معانی به عهده دارد. نما به عنوان یک کل است که از عناصری منفرد ساخته می‌شود. پس یکی از خصوصیات آن قابلیت بیان تک‌تک عناصر منفرد آن می‌باشد که هر یک از آنها موجودیتی پرمکان دارند (کریر، ۱۳۸۰: ۶۸). استرن علاقه خود را به نمایان که حاملان معنای معماری‌اند، بیان می‌کند (نسیبیت، ۱۳۹۴: ۱۲۹). نمای ساختمان‌ها به صورت یک صفحه نمایش ترکیبات معماری ظاهر می‌گردد. ترکیب‌های معماری حاوی نوعی معنا هستند و از این‌رو قادرند که خیال آدمی را تحریک نمایند و با وی ارتباط برقرار کنند (خاک زند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶).

نمای خانه تصویر عمومی قابل ارائه فرد به جامعه است (لتگ، ۱۳۸۶: ۲۳۲) و نقش مؤثری بر احساس و ادراک شهروندان دارند (Hollander, 2020: 2020). نمای خارجی ساختمان، اولین فضایی است که افراد در هنگام نزدیک شدن به بنا با آن مواجه می‌شوند و عناصر آن (Anderson, 2020: 2020) هندسه، الگو، بافت، جزئیات) آن را می‌بینند و به طور مداوم آن را تجربه می‌کنند (Lee, Ostwald, 2021: 1). همچنین به عنوان واسطه بین فضاهای داخلی و خارجی مورد ارزیابی بصری شهروندان می‌باشد و ادارک افراد تحت تأثیر تصویر بصری ایجاد شده از نمای ساختمان شکل می‌گیرد (Yammiyavar, Roy, 2019: 223). نمای بنایا بر حس ارزیابی ناظران از کلیت کالبد تأثیرگذار است. چه طراحان بخواهند و چه نخواهند، مردم اماکن را بر مبنای معانی مترقب بر آن تعییر و تفسیر می‌کنند (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۲۷). نمای بنا بر تمام ابعاد محیط کالبدی و ذهنی افراد تأثیر می‌گذارد (Moughtin et al., 1995) و تصور ذهنی شهروندان از بنایا، بر مبنای نمایانشان شکل می‌گیرد (Imamoglu, 2000: 2000). سبک معماری، رنگ، حجم، ارزش ادراکی، مصالح، اشکال و عناصر جھیم بصری، فرم‌ها، سطوح و نورها، خطوط منحنی، جزئیات تزئینی، ظرافت و قریحه‌ها، اجزا و بافت، در تصویر ذهنی نمای ساختمان‌ها مؤثرند. نمای بنا و مقیاس مورد استفاده در آن نقش ساکنان خانه را در محیط بیرونی نشان می‌دهد (لاوسون، ۱۳۹۴: ۵۳). از دیدگاه تربیت، نمایا در عمل مانند فیلم، پشت‌سرهم ظاهر شده، به صورت پیوسته دیده می‌شوند که بالطبع تأثیرهای حسی ویژه خود را بر ناظر دارد (پاکزاد، بزرگ، ۱۳۹۳: ۱۴۷) و نقش مهمی در معتقد‌هی به محیط ایفا می‌کنند.

امروزه به دلیل عدم وجود دانش بصری مناسب و همچنین تأثیرات شدیدی که کارکردگرایی مدرنیسم بر شهرها گذاشته است، موجب ناهنجاری بصری بر محیط شهری شده است (پورجعفر، علوی، ۱۳۹۱: ۱۶). ناپسامانی نما، منحصر به ساختمان‌های مسکونی نیست و کلیه ساختمان‌ها را دربرمی‌گیرد. ولی ساختمان‌های مسکونی بیشترین عناصر و تأثیرگذارترین عوامل منظر یک شهر می‌باشند (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۵۱). راپاپورت علت شکست طرح‌های معاصر را دربرآوردن نیازهای روحی و روانی شهرهای اسلامی دارد که پژوهش‌های روانشناسی ثابت کرده است که تفاوت‌های بسیاری میان طراحان و بهره‌وران در واکنش نسبت به محیط و ترجیح‌های محیط‌یابی وجود دارد؛ زیرا برخی تصاویر ذهنی آنها با یکدیگر متفاوت است. بنابراین از آنجا که بهره‌وران اصلی فضا، مردم عادی هستند- و نه طراحان- باید در طراحی مکان‌ها به معانی موجود در ذهن شهروندان توجه کرد (Rapaport, ۱۳۹۲: ۱۱). از دید یک طراح معمار، طراحی نمای ساختمان مسئله مهمی است که می‌تواند بر ادراک آن در بیننده تأثیرگذار باشد. طراحان برای کشف درون مایه تصویر ذهنی مردم از فضاهای کالبدی کوشیده‌اند تا به کمک تکنیک‌های مختلفی چون؛ مصاحبه و کنکاش درباره چگونگی جهت‌یابی و جهت‌گیری افراد در مکان و یا خواستن از مردم برای ترسیم کردن نقشه‌ای از مکان مورد پژوهش، آن‌گونه که در ذهن دارند، تصویر ذهنی مردم از مکان را کشف کنند (بنتلی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه بیشتر در حوزه شهری بوده است و نمای ساختمان از منظر شهروندان بیرون از بنا دیده شده است. در این پژوهش‌ها جنبه معماری آن کمتر مورد توجه بوده است و آن چه رابطه درون و جلوه بیرونی بنا که همان نما می‌شود را می‌تواند به هم پیوند دهد، معنای نما از دیدگاه ساکنان می‌باشد که هم به جلوه بیرونی نما و هم تأثیرات آن در درون بنا را دربرمی‌گیرد. بخش بزرگی از بافت‌های شهری را بافت و بناهای مسکونی تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر امروز در شهرهای بزرگ و متوسط بخش بیشتر ساختمان‌های مسکونی را گونه آپارتمانی تشکیل می‌دهد که این امر سبب شد این پژوهش در بی تبیین مدل مفهومی معنای آپارتمان‌های مسکونی از دیدگاه ساکنان پیردازد. با توجه به این که نظریه و مدل مشخصی در این زمینه وجود نداشت و عوامل مؤثر هم به طور کامل بررسی نشده است و گمان می‌رود که عوامل زمینه‌ای مانند فرهنگ و وضعیت اجتماعی و اقتصادی بر موضوع مؤثر باشند، روش نظریه داده بینیاد^۱ (نظریه برخاسته از زمینه یا زمینه‌ای) به کار رفته است. قلمرو پژوهش (جامعه آماری) آپارتمان‌های مسکونی شهر اردبیل، به دلیل سکونت پژوهشگر در اردبیل و مشاهده مشارکتی در روند اجرای پژوهش و مصاحبه با ساکنان، به عنوان نمونه موردی انتخاب شده است.

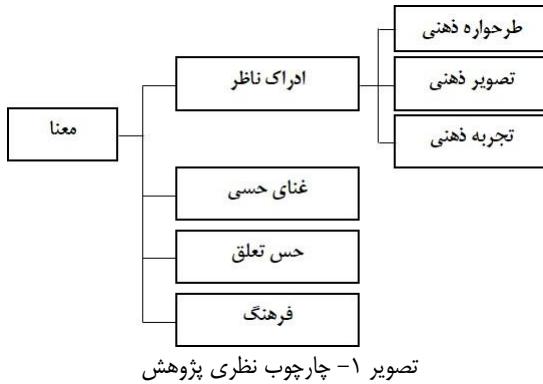
چارچوب نظری

پژوهش گسترهای در حوزه معنا در معماری انجام گرفته است. امروزه ادراک معنای نماها بیشتر در حوزه شهرسازی مورد توجه قرار گرفته (لينج، ۱۳۹۵؛ بتلی، ۱۳۸۵؛ کارمونا، ۱۳۹۴) و معنای نماها در مقیاس معماری کمتر مورد پژوهش متخصصان عرصه معماری قرار گرفته است. رویکردهای مختلف معماری، بر وجه خاصی از معنا تأکید داشته‌اند. برخی از اندیشمندان بر جنبه ذهنی معنا و برخی به هر دو جنبه عینی و ذهنی تأکید داشته‌اند. هرشبرگر دو معنا را برای تعیین معنای فضایی فضایی قائل است: معنای عینی و ذهنی (Hershberger, 1980). از دیدگاه وايت معنی، حاصل ادراک ناظر است (Whyte, 2006). از نظر رلف^۲، معنا را باید در تصویرهای ذهنی و تجربه فضایی جستجو کرد (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۹). گرچه معنای مکان ریشه در محل فیزیکی و فعالیت درون آن دارد، اما انتظارات اولیه و تجربیات انسان به عنوان ناظر و استفاده‌کننده فضا نقش عمده‌ای دارد. بنابراین محیط نمایانگر ساخته‌های ذهنی ماست (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۸). شولتز^۳، معنای محیط را موجب تصویر ذهنی روشن که سبب هویت مکان می‌گردد، می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۵: ۱۰۸). او مهمترین رکن ادراک معنای مکان را تجربه می‌داند (نوربرگ شولتز، ۱۳۹۴: ۱۳). التمن^۴، معنای محیط، غنا و پیچیدگی را الگوهایی می‌داند که پژوهشگران و طراحان رو به این الگو (الگوهای ادراکی شناختی) آوردن و با استفاده از پرسشنامه و شیوه نقشه‌های ذهنی، پی به برداشت ذهنی افراد از محیط شدند (Altmnan, 1992). هلمار فرانک^۵ که یکی از بنیان‌گذاران نظریه اطلاعات است، بیان می‌کند: «نمای یک ساختمان باستی حداقل یکبار امکان تشکیل طرحواره را به بیننده بدهد یا به عبارت دیگر باستی حداقل دو سطح از سطوح ادراکی را مخاطب قرار دهد» (گروت، ۱۳۹۰: ۹۸). تریپ^۶، معنا را به عنوان عامل مهمی در آفرینش کیفیت‌های بصری می‌داند (Trib, 1974: 81). در تعاریف او معنا، تجربه‌ای فردی یا گروهی از یک عینیت است. نمای ساختمان و طراحی داخلی آن، اغلب از این جهت مورد انتخاب قرار می‌گیرد که بازتابی از تصویر فرد از خودش هستند؛ هم به عنوان ذهنی و هم شخصی مرتبط با جامعه که تمایل به شناساندن خود به دوستان و خویشان خود هستند (وینترز و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۷).

برخی اندیشمندان به وجه فرهنگی اجتماعی معنا پرداخته‌اند. به عقیده راپاپورت^۷، مردم با کمک فرهنگ به محیط معنی داده و آن را معنی دار می‌کنند (Rapaport, ۱۳۹۲). از دیدگاه مانزو^۸، تجربه در مکان، معنا را ایجاد می‌کند (Scannell, Gifford, 2010: 2). بنا به اعتقاد او محیط دارای معنی مختلفی از معنی مثبت و منفی است که این معنی بسته به نوع تجربه یک محیط توسعه افراد به دست می‌آید. گونه‌های مختلف تجربه محیط توسعه افراد به پیش‌زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بستگی دارد (Manzo, 2005). نما هرگز تنها بینانگر احتیاجات طبیعی که سازمان‌دهی اتفاق‌های پشت آن تعیین می‌کند، نیست. نما، موقعیت فرهنگی زمانی را بیان می‌کند که ساختمان در آن زمان ساخته شده است. نشان‌دهنده معیار نظم و نظمدهی و بیان کننده بناست (کریر، ۱۳۷۶: ۵۰). بنا به نظر استرن^۹، معماری پاسخی است تاریخی و فرهنگی و بناها در طول زمان، معنا را بسط و توسعه می‌دهند (نسبتی، ۱۳۹۴: ۳۵-۳۶). برادبینت^{۱۰} رویکرد معناشناختی را برای معماری مهمتر می‌داند (برادبینت، ۱۳۸۸: ۱۱۴). به گفته برادبینت: «بناهای و ساختمان‌ها حامل معنایند. او معتقد است که قرارداد اجتماعی در معماری موردي غایب است و این غیاب، آن چیزی است که معماری را از زبان متایز می‌کند (نسبتی، ۱۳۹۴: ۱۳۵). ریخت‌شناصی عامل تشخیص یک شهر از شهر دیگر است و همین عامل، تشخیص و هویت شهر را نشان می‌دهد (Kropf, 1996). از نظر لینچ تحلیل تصویر ذهنی شهر مهم است (لينج، ۱۳۹۵: ۱۳۹۵). ظاهر و نمای بناهای در ایجاد کیفیت بصری، معنا و نوع استفاده از فضا تأثیر غیرقابل انکاری دارد (Moughtin, Tiesdell, 1999).

برخی دیگر از نظریه‌پردازان، در تبیین نظریه‌های خود به نقش معنای حسی تأکید داشته‌اند. معنای بناهای نزد شهروندان می‌تواند از نوع احساسی و عاطفی باشد. مؤلفه‌هایی چون: انواع واکنش‌های هیجانی مانند: لذت، برانگیختگی و سلطه‌گری بخشی از این مواردند (لنگ، ۱۳۸۶: ۱۰۹).

ادرک معنایی ناشی از درهم تبیدگی بصری محیط است. معنا در ساده‌ترین جنبه خود، برابر با یک احساس مثبت یا منفی است. هنگامی که دو یا چند ساختار معنادار به صورت معناداری هم به یکدیگر پیوند یابند، ما شروع به نظامی از باورها می‌کنیم (سالینگروس، ۱۳۸۷: ۲۷۱). از دیدگاه بتلی و همکاران معنای موجود در محیط توسط دو مؤلفه غنای حسی و حس تعلق سنجیده می‌شوند (بتلی و همکاران، ۱۳۹۵) که ریشه در سابقه ذهنی افراد دارد. معنا پارامتری است که تأکید آن بیشتر از فرم ظاهری محیط بر ویژگی‌های ذهنی افراد است؛ با توجه به تعاریف یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که معنابخشی مقوله‌ای مرتبط با ادرک فضا و ادرک امری مرتبط با ذهن و ساختارهای احساسی، فرهنگی و اجتماعی فرد در رابطه با ویژگی‌های کالبدی فضاست که با جهت‌دهی به ذهنیت مخاطب زمینه را برای دریافت معنادار مخاطبان از فضا فراهم می‌کند.



تصویر ۱ - چارچوب نظری پژوهش

روش تحقیق

یکی از روش‌های کیفی مفید در مطالعات معماری نظریه داده بنیاد است. در این روش محقق، پژوهش را با یک نظریه از پیش پذیرفته شده آغاز نمی‌کند و کار خود را با زمینه‌ای مطالعاتی آغاز نموده و اجازه می‌دهد نظریه از میان داده‌ها به تکوین برسد (گروت، وانگ، ۱۳۹۴: ۱۸۱). در نظریه داده بنیاد، پیش از آن که نظریه به تکوین برسد، می‌بایست عمل مشاهده، گردآوری داده‌ها و ساماندهی آنها در روندی تعاملی انجام پذیرد. می‌توان نظریه‌بنیاد را یک روش تحقیق کیفی که مجموعه منظمی از رویه‌ها را برای توسعه یک نظریه بنیادین برخاسته از استقرا در مورد یک پدیده به کار می‌گیرد، تعریف نمود (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۲۳). روش نظریه داده بنیاد از روش‌هایی است که امکان شناخت منظم دیدگاه‌ها و معانی را از دیدگاه افراد در یک موقعیت خاص فراهم می‌کند. در این روش بر مصاحبه و مشاهده در تولید داده‌های تجربی، جذب محقق در میدان مطالعه، جلب اعتماد افراد مورد مطالعه تأکید می‌شود (لک، ۱۳۹۳: ۴۸).

از آنجا که میزان ژرفنگری محقق و امکان مصاحبه‌های عمیق با ساکنان، یکی از عوامل اصلی انجام پژوهش‌های کیفی است؛ معیار انتخاب نمونه‌های موردنی، امکان حضور و مصاحبه مستمر محقق با ساکنان بوده است. از همین رو با انتکا به این روش، محقق با ۲۵ نفر از ساکنان آپارتمان‌های مسکونی اردبیل، ۱۶ نفر زن و ۹ نفر مرد، بین سنین ۱۸ تا ۶۵ سال، مصاحبه عمیق به صورت فردی صورت گرفته است. تنوع جنسیتی، سنی و شغلی ساکنان و مدت زمان سکونت ساکنان هم در انتخاب نمونه‌ها مؤثر بوده است (جدول ۱). با وجود پنج مصاحبه آخر مقوله جدیدی به یافته‌های پیشین اضافه نکرد، مصاحبه‌ها تا نفر ۲۵ ادامه یافت تا از اشباع نظری یافته‌ها اطمینان حاصل شود. اشباع نظری معیاری است که نویسدگان بر اساس آن تصمیم می‌گیرند فرایند جمع‌آوری داده را به دلیل عدم استخراج اطلاعات بیشتر و جدید متوقف نمایند (Belk, 2007). نمونه‌گیری و افزونی بر اطلاعات هنگامی پایان می‌یابد که اشباع نظری یک مقوله یا گروهی از موردها حاصل شود (فیلیک، ۱۳۹۴: ۱۴۰). در مرحله نخست ۳۰ نمونه مطالعاتی به صورت تصادفی از کل مناطق اردبیل انتخاب شده‌اند. در ادامه به جهت کنترل مطالعه معیارهایی به منظور پالایش نمونه‌ها و انتخاب دقیق‌تر نمونه‌ها بر اساس شرایط مطالعه کیفی ۲۵ نمونه در نظر گرفته شد. این معیارها به همراه متغیرهای کنترلی به انتخاب دقیق و هدفمند نمونه‌های نهایی منجر شد. معیارهای انتخاب آپارتمان مسکونی بر اساس ویژگی‌های کالبدی و غیرکالبدی بنا صورت گرفت. از جمله معیارهای کالبدی موقعیت جغرافیایی در شهر و تعداد طبقات آپارتمان مسکونی و تنوع سبک می‌باشد. با توجه به گونه‌شناسی ساختمان‌های مسکونی در مناطق مختلف اردبیل، که دارای بافت قدیم در مرکز شهر و حاشیه‌نشین در مناطق شمالی است که بافت غالب این مناطق آپارتمان‌هایی با ارتفاع دو طبقه و در برخی مناطق به صورت مجتمع مسکونی می‌باشد. نواحی جنوب و جنوب‌غرب اردبیل که بافت نسبتاً جدید شهری است که بافت غالب این مناطق دارای آپارتمان‌های ۳ تا ۶ طبقه می‌باشد. این مناطق به لحاظ سطح فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی دارای سطح بالا، متوسط، متوسط رو به پایین، متوسط رو به بالا است. بنابراین قابلیت مناسبی را برای

مطالعه عمیق نمونه‌های موردی دارد. از آنجا که روند تغییرات الگوی مسکن معاصر به سمت آپارتمان‌نشینی و بلندمرتبه‌سازی پیش می‌رود و بخش عمدتی از گونه مسکن شهر اردبیل را آپارتمان‌های ۳ تا ۶ طبقه تشکیل می‌دهد که دارای سکونت و قابلیت مطالعه عمیق را دارد. بنابراین آپارتمان ۳ تا ۶ به عنوان نمونه مطالعاتی انتخاب شده است. در انتخاب آپارتمان مطالعاتی تنوع سبک‌های بنا و موقعیت آپارتمان لحاظ گردید. مدت سکونت، سن افراد به عنوان معیار انتخابی غیرکالبدی است. از آنجا که تحقیق دربرگیرنده مفهوم عمیقی است که نمود آن در فضای کالبدی در تعامل ساکنان و محیط نیازمند درگیری ساکنان و محیط در طول زمان بوده و این مفهوم (شکل‌گیری معنا) در طول زمان شکل می‌گیرد؛ نمونه‌هایی مورد نظر این تحقیق قرار گرفته‌اند که ساکنان حداقل ۵ سال اخیر را در مکان فعلی خود سکونت داشته‌اند. با توجه به ماهیت تحقیق و لزوم مصاحبه عمیق از ساکنان، سن افراد جز معیارهای انتخابی در نظر گرفته شده است. به دلیل اهمیت استفاده از طیف‌های مختلف گروه سنی، به استثنای کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال که قادر به بیان مفاهیم و مصاحبه عمیق نیستند، بنابراین مصاحبه به لحاظ جنسیتی از دو گروه خانم و آقا و در بازه سنی ۱۸ تا ۶۵ سال انتخاب شده است. از جمله معیارهای کنترلی امکان برقرار ارتباط محقق با ساکنین، انجام تحلیل‌های فضایی و مطالعات عمیق، در نظر داشتن ایجابات انتخاب محل سکونت (شخصی، استیجاری) در نظر گرفته شده است (جدول ۲).

مصاحبه با حضور محقق در خانه ساکنان صورت گرفت و محقق نقش مشاهده مشارکتی در طی روند مصاحبه داشت و ترسیم پلان خانه و عکسبرداری از آن قبل از انجام مصاحبه صورت گرفت. روش انجام مصاحبه برای هر شرکت‌کننده تشریح شد. محقق در طی روند مصاحبه در جستجوی عوامل مؤثر بر معنای نما آپارتمان مسکونی اردبیل، از مصاحبه شونده‌ها می‌خواست: به توصیف نما آپارتمان مسکونی خود به شخصی که تا به حال آن را ندیده است، پیردازند. همچنین از تصاویر گرفته شده از نماهای آپارتمان‌های مسکونی مختلف اردبیل در خلال مصاحبه برای شفافیت موضوع استفاده شد. زمان مصاحبه از ۴۵ دقیقه تا یک و نیم ساعت بوده است. بعد از استخراج داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا صورت گرفته است که در قالب مدل مفهومی ارائه شده است.

جدول ۱- مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان در پژوهش (معیارهای انتخاب غیرکالبدی)

زن	مرد	سن	جنسیت	تحصیلات	شغل	مدت زمان سکونت
۱۶	۹	۷	۷	۶	۸	۱
۷	۷	۳	۳	۶	۴	۱
۵	۴	۲	۲	۶	۵	۱
۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰

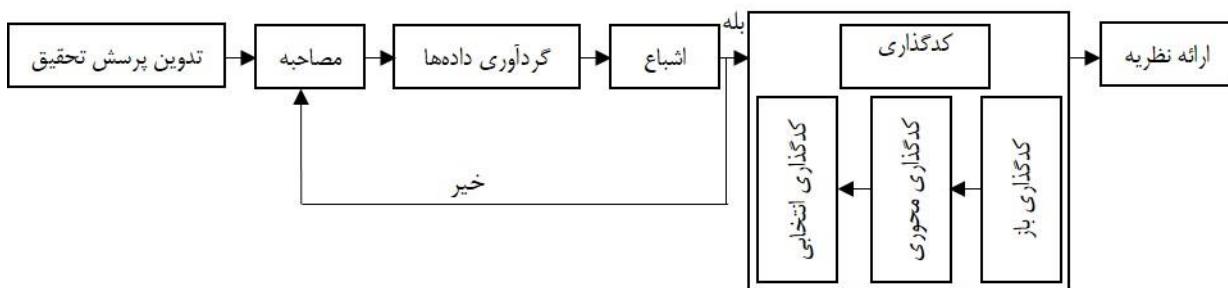
جدول ۲- مشخصات کلی نمونه‌های موردی (معیارهای انتخاب کالبدی آپارتمان)

منطقه	طبقه	طبقه	طبقه	طبقه	تعداد طبقات	سن بنا	موقعیت بنا	خیابان	کوچه	موقعیت	منطقه
منطقه ۲	۶ طبقه	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	دوه				
منطقه ۲	۵ طبقه	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	دوه				
نما	آبروز	آبروز	آبروز	آبروز	۴ طبقه	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	۰-۲۰	دوه

تحلیل داده‌ها

روند انجام پژوهش نظریه داده بنیاد، شامل مراحل زیر است:

اولین گام در نظریه داده بنیاد، تعیین موضوع است. سپس متن مصاحبه‌ها، مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده و کدگذاری محوری انجام می‌شود و در نهایت با مشخص شدن روابط اجزا در کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی از آن استخراج و تئوری‌سازی انجام شده است. اولین گام تحلیل داده‌های کیفی در رویکرد سیستماتیک نظریه داده بنیاد، کدگذاری باز است. کدگذاری باز، فرایندی تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آنها در داده‌ها کشف می‌شوند. کدگذاری محوری، فرایند ارتباط مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیونددادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است که در قالب مدل پارادایمی ایجاد گردید (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۷۴). کدگذاری انتخابی آخرین مرحله کدگذاری است که در آن مقوله اصلی انتخاب شده و پیوند آن با دیگر مقوله‌ها مشخص می‌شود. تفسیر و بیان رابطه‌ها میان مقوله اصلی و دیگر مقوله‌ها با توجه به مدل ارائه شده پژوهش صورت می‌گیرد. چرا که در کدگذاری محوری اساس کدگذاری انتخابی پی‌ریزی می‌شود (شکل ۳) (استراس، کوربین، ۱۳۹۳: ۱۱۹). نتایج بدست آمده در کدگذاری در مدل پارادایمی در شکل ۴ آمده است.



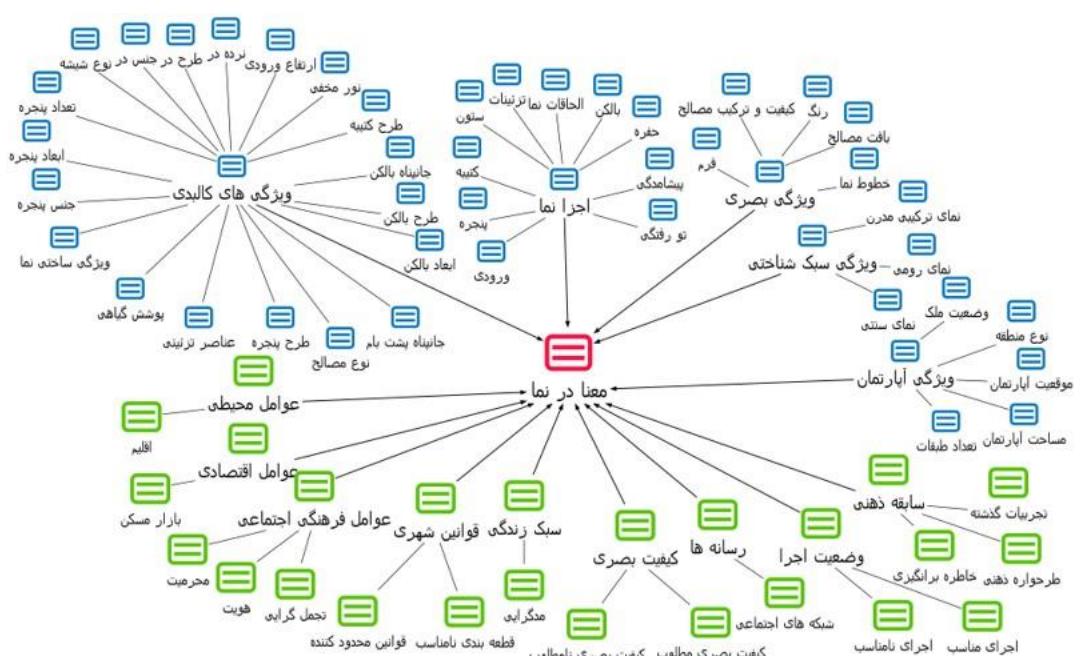
تصویر ۲- فرایند اجرای نظریه داده بنیاد

جدول ۳- کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

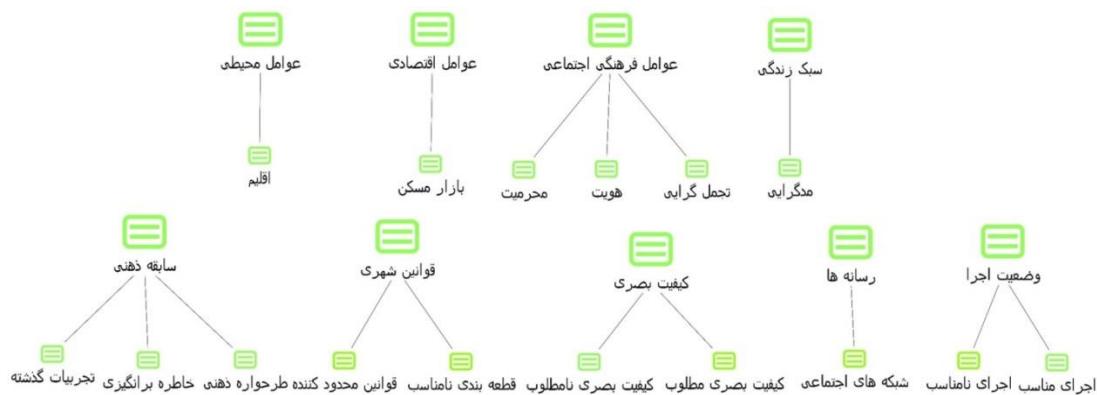
نمونه‌های موردی	داده‌ها	مفهوم	زیرمفهوم	مفهوم
نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی): نمای آجر قدیمی (خیابان میلاند ۲)	«نمای خوب، هزینه بر است. نمایی که صاف نباشد، دارای پیشامدگی و تورفتگی باشد». «نمای آجر قدیمی و بدون نما حالت نوستالژی دارد؛ قدیمی و بی‌لباس است. فقر را نشان می‌دهد».	گران بازار مسکن	بی‌لباس، فقر بی‌نیاز، فقر	عوامل اقتصادی
نمای رومی (خیابان شهریار)، نمای رومی (آزادگان)	«نمای کلاسیک از نظر من افتضاح است. چون فکر می‌کنم ساختمان هایی که مثلاً در اروپا ساخته می‌شوند، دیوارهایشان هم سنگ است. آن سنگ را تراش داده‌اند، ولی ما ساختمانی از آجر و بتن می‌سازیم، بعد به آن یک هویت ساختگی می‌دهیم. مثلاً یک نمای ساختگی و برای این که ثروت خودمان را نشان دهیم و بگوییم ما خیلی داراییم. وضعمن عالی است. این نماها حس بدی به من می‌دهد».	هویت دروغین، بی‌هویت، کی‌برداری	هویت	فرهنگی اجتماعی
نمای مرمر (کارشناسان)	«نمای کلاسیک احساس تجملات بیش از اندازه به من دست می‌دهد. دوست ندارم، نمای کلاسیک تجملاتی است. نمای کلاسیک قدرتمندی در عین حال قدرت را به رخ کشیدن است. مظہر خودنمایی است».	تجملات، خودنمایی	تجمل گرایی	اجتماعی
	«نماهایی که کاور تراس دارند، اصلاً خوش نمی‌آید؛ احساس می‌کنم خانه و نما دلگیر می‌شود؛ کل جذابیت نما را زیر سوال می‌برد».	دلگیر، غیرجذاب		محرمیت

مفهوم	زیرمفهوم	مفهوم	نمونه‌های موردي	داده‌ها
عوامل محیطی	اقليم	کثیف، بی کیفیت، شرکت	نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)	«با توجه به این که شهر اردبیل که گردخاک در هوا است، در نما پهنه است از عناصر گوشیدار استفاده نشود که گردخاک زیاد به خود می‌گیرد. نما کثیف دیده می‌شود».
سبک زندگی	مدگرایی	مد، دمده، بهروز و مدد است».	نمای مرمر (کارشناسان؛ نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)	«نرده فلزی در تراس دمده است و خانه را هم خفه نشان می‌دهد». «در نماهای مدرن از ظرافت خاص در نما استفاده می‌کنند و نمای بیرونی و مدد است».
قوانين شهری	تاریک، بی روح، خشن، محدود کننده دلگیر، آشفته	قانونی، مصطفوی، ضعیف	نمای شیشه سرتاسری (شهرک آزادی)	«از شیشه رفلکس در نما بدم می‌آیند؛ تاریک و بی روح است. حس خشن بودن دارد. انگاری طلا زرد است و رنگ آبی به آن بزنند؛ مصنوعی است». «پنجره‌های کوچک نما را دلگیر و آشفته نشان می‌دهد».
قطعه‌بندی	ناموزون، ضعیف	منظمه	نمای سنگی (کارشناسان)	«در اردبیل ضعف در قطعه‌بندی زمین است که عرض قطعه‌ها کم است و به همین دلیل در طرح بنا هم تأثیر می‌گذارد. عرض کم آپارتمان‌های نما را ناموزون و ضعیف نشان می‌دهد».
کیفیت بصری	کیفیت بصری نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)	نمای ترکیبی مدرن (خیابان شهریار)	نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)	«نمای متقارن جلوه فیزیکی نما را برجسته می‌کند و نما را منظم نشان می‌دهد».
کیفیت بصری	ساختگی، ناموزون، نامنظم، دلگیر	کلبه	نمای ترکیبی مدرن (شهرک آزادی)	«طرح‌هایی که به نظر سازنده خلی خلاقانه است، مثلاً مربع مربع یا تضاد زیادی دارد، ساختگی و ناموزون است». «پنجره نرده‌دار ترکیب نما را خراب می‌کند و از چشم‌نمایی نما می‌کاهد. نما را نامنظم و دلگیر می‌کند».
سابقه ذهنی	خاطره‌برانگیزی	خودمانی، جذاب،	نمای آجر سفالی (آزادگان)	«در نما تجسم من مثلاً کارتون خانواده دکتر ارنست است که کلیه چوبی می‌ساختند. بر همین اساس به طراح مهندس نما، چوب را تأکید می‌کردم که در طراحی نما استفاده کند. کارتون‌های دوران کودکی که بسیار ساده کلیه‌های چوبی بود با نماهای یکدست که برآمدگی و فرورفنجی اش زیاد نبود».
سابقه ذهنی				«نمای سنتی، آن اصالات‌های قدیم که یادآور دوران کودکی است. به هر حال عناصری که در نمای سنتی استفاده می‌شود، طبیعتاً با آدم بیشتر ارتباط برقرار می‌کند. در معماری سنتی در نماهای آجری قدیم، لابه‌لایی آجرها سیمان نبود. یک ماده سفید رنگی بود که با نماهای آجری الان متفاوت بود. آن طور نمایا به گونه‌ای است که آدم حس می‌کند بسیار خودمانی تر است. احساس می‌کند که این خانه‌ها برای آدم امن است. بیشتر آدم را محو خودش می‌کند تا این که نما مدرن باشد، کامپوزیت باشد».

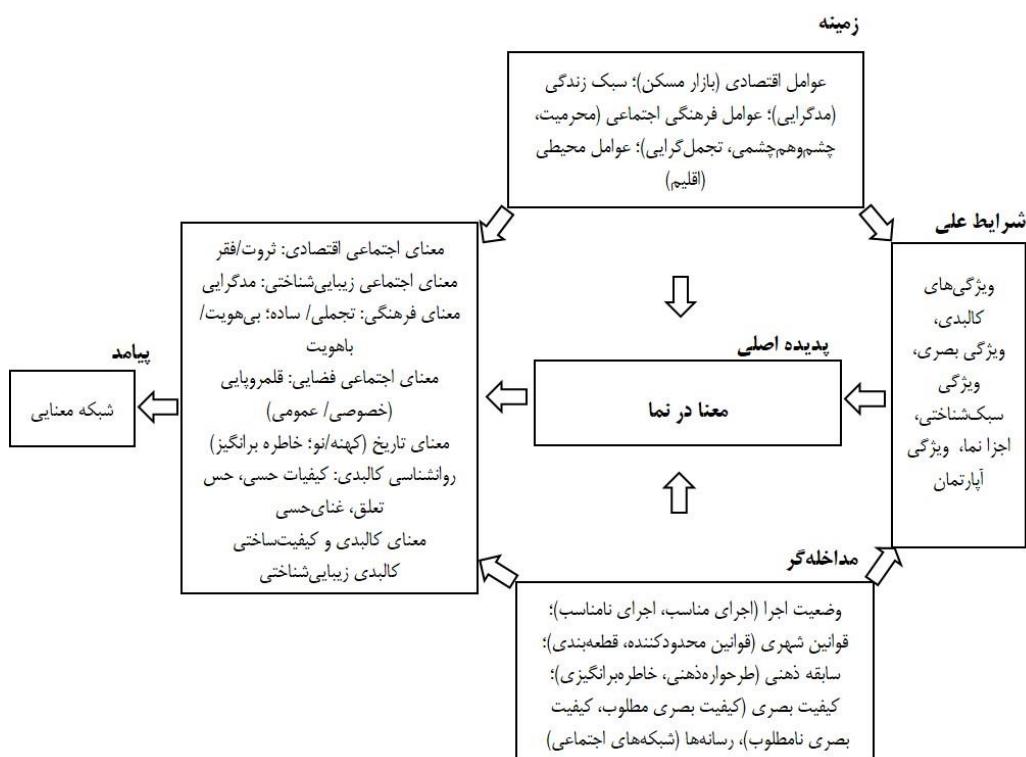
مفهوم	زیر مقوله	مفهوم	داده ها	نمونه های موردنی
تحلیل	تجربیات گذشته، تحقیقات اروپا، خانه، آرامش	مجتمع، زندگانی	نمای آجرسفلی بیشتر شبیه مجتمع است تا آپارتمان؛ چون قدیم به این شکل اجرا می کردند؛ مثلاً طرف ما چند مجتمع هست که با آجرسفلی زد کار شده است.	نمای رومی (اکلشناسان)
رسانه ها	شبکه های اجتماعی، کپی برداری، ساختنگی	از اینترنت در انتخاب نما بیشتر کمک گرفتم، در هر مقطعی نمایی مد می شود. در عرض یکسال مثلاً از نمای رومی نوع ها و طرح های مختلفی را می بینیم که کدام پهتر است. بعضی طرح ها شاید به نمای ساختمان شما ت孝ورد. اما از هر کدام قسمتی را ایده گرفته و استفاده کردم. از نمای رومی مختلف الگوبرداری شد. احساس می کنم که همان چیزی بود که می خواستم.	نمای آجرنا (خیابان شهریار)	
اجرا مناسب	زندگانی	موقع ساخت آپارتمانمان و اتمام آن مردم می گفتند: کوچه مان را زنده کردید. یعنی حس زنده می دهد. سنگ عالی اجرا شد، نما زنده شد.	در نمای خانه ما سنگ گرانیت که به عنوان قاب دور پنجره نصب شده است، تعدادی از سنگ ها از نما ریخته شده است. خوب نزد هاند و نما ناموزون و بد شده است.	نمای رومی (آزادگان)
اجرا نامناسب	ناموزون، نامن	«در نمای خانه ما سنگ گرانیت که به عنوان قاب دور پنجره نصب شده است، تعدادی از سنگ ها از نما ریخته شده است. خوب نزد هاند و نما ناموزون و بد شده است».	«نمای ساختمان ما سنگی است. نمای سنگی بالاخره بعد یک مدت ریزش دارد و حس امنیت نمی دهد».	نمای مرمر (شهرک آزادی)



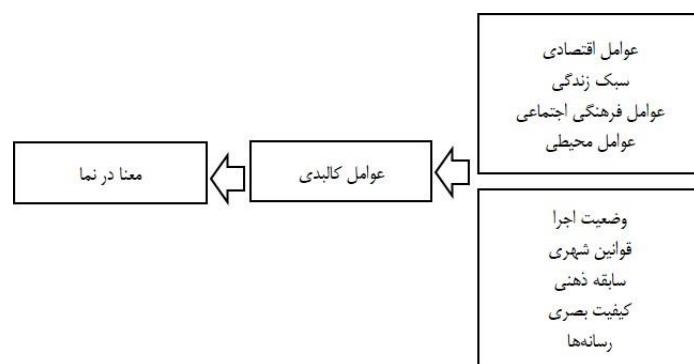
تصویر ۳- عوامل سازنده معنا در نما حاصل از کدگذاری محوری در نرم افزار مکس کیودا



تصویر ۴- عوامل سازنده معنا در نما بصورت مجزا در نرم‌افزار مکس کیودا



تصویر ۵- مدل پارادایمیک معنا در نما



تصویر ۶- مدل مفهومی معنا در نما

اعتباریابی مدل مفهومی

با استفاده از برداشت اطلاعات میدانی در مصاحبه‌ها، مدل مفهومی معنا در نما استخراج شده است. در واقع، به نوعی تئوری چگونگی درک معنایی ساکنان مورد مطالعه از نماهای آپارتمان‌های مسکونی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفته است. در این بخش از پژوهش، مدل و نظریه مورد بررسی مورد آزمایش قرار گرفته است.

برای آزمایش نظریه از پیمایش پرسشنامه‌ای به صورت کمی استفاده شده است. بدین صورت که ابتدا ۳۱ پرسش ساختاریافته از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت طراحی و تدقیق شد و بین شهروندان در نمونه مورد مطالعه توزیع شد. فرایند توزیع به گونه‌ای بود که ابتدا ۳۰ پرسشنامه به عنوان پایلوت توزیع شد و بر مبنای آن با استفاده از تعیین مقدار آماره‌های p و Q در فرمول کوکران و همچنین حجم جامعه، تعداد نمونه‌های اصلی که برابر ۱۰۰ پرسشنامه بود، بدست آمد است.

در مرحله بعد به منظور دستیابی به پایایی پرسشنامه، از آماره آلفای کرونباخ استفاده شده است. همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، مقدار آلفای کرونباخ برای ۳۱ پرسش تحقیق برابر 0.775 می‌باشد که با توجه به این امر که این عدد بالاتر از 0.7 می‌باشد که پایایی تحقیق مورد مطالعه را به اثبات رسیده است.

جدول ۴- میزان پایایی پژوهش

	Cronbach's Alpha	N of Items
	.775	31

در مرحله بعد، به منظور بررسی مدل زمینه‌ای تحقیق از آزمون همبستگی برای بررسی ارتباط بین عوامل زمینه‌ای، مداخله‌گر، کالبدی و معنا استفاده شده است. لازم به ذکر است که برای هر یک از این متغیرها با توجه به زیر متغیرهای آن پرسش‌های مجزایی در پرسشنامه در نظر گرفته شده است. جدول ۵ نتایج این آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۵- نتایج آزمون همبستگی متغیرهای استخراج شده از مدل زمینه‌ای تحقیق

	زمینه	مداخله‌گر	کالبدی	معنا
زمینه	Pearson Correlation	1	.581**	.325**
	Sig. (2-tailed)		.000	.001
	N	100	100	100
مداخله‌گر	Pearson Correlation	.581**	1	.414**
	Sig. (2-tailed)	.000		.000
	N	100	100	100
کالبدی	Pearson Correlation	.325**	.414**	1
	Sig. (2-tailed)	.001	.000	
	N	100	100	100
معنا	Pearson Correlation	.712**	.772**	.848**
	Sig. (2-tailed)	.000	.000	
	N	100	100	100

* $p<0.05$ و ** $p<0.01$

**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود بین همه چهار متغیر اصلی تحقیق رابطه معنی داری وجود دارد. در واقع مقدار سطح معنی داری ^{۱۷} وجود و یا عدم وجود رابطه را نشان می‌دهد و ضریب همبستگی پیرسون شدت رابطه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشخص است که قوی‌ترین رابطه موجود بین متغیر کالبدی و زمینه‌ای است. مقدار ضریب همبستگی برای این رابطه برابر 0.848 است که نشان از شدت بالای این رابطه است. با توجه به مثبت بودن این رابطه، نوع این رابطه مستقیم است. در درجه بعدی، می‌توان بیان کرد که رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای با ضریب همبستگی 0.712 قوی می‌باشد. در واقع، بنابر داده‌های بدست آمده می‌توان بیان کرد که با درصد اطمینان رابطه‌ای قوی و مستقیم بین عوامل زمینه‌ای و معنایی وجود دارد. رابطه بین عوامل مداخله‌گر و زمینه‌ای نیز با ضریب همبستگی 0.581 نسبتاً قوی است و با توجه به این امر می‌توان اذعان کرد که عوامل مداخله‌ای و زمینه‌ای نیز با هم رابطه دارند. در نهایت، رابطه بین عوامل مداخله‌گر و کالبدی نیز با ضریب همبستگی 0.325 متوسط و مستقیم بدست آمده است. در جمع‌بندی کلی، مدل مفهومی معنا در نما به طور قوی تأیید شده است و صحت اعتبار آن به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

اجزا نما و ویژگی‌های کالبدی و سبک‌ساختی نما و آپارتمان، معنادارند و شناسایی این معناها، عوامل سازنده آنها را مشخص می‌کند. عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر بر معنای نما تأثیر گذاشته‌اند. نما به عنوان جزئی از معماری، انکاسی از فرهنگ جامعه است و بالطبع معنای نماست. یکی از عوامل معناده‌ی نما، عامل فرهنگی اجتماعی است. ساکنان در اظهارات خود، مفاهیمی مانند: تجملات، خودنمایی را بیان کرده‌اند. این مفاهیم به نقش عوامل فرهنگی در معناده‌ی نما اشاره داشته است. در برخی موارد ساکنان در توصیف نمای آپارتمان به معناهایی نظری: اصیل یا غیراصیل پرداخته‌اند و به عوامل هویت‌ساز نما اشاره داشتند. عامل دیگر در معناده‌ی نما از دیدگاه ساکنان، محرومیت است. فرهنگ و تمدن هر سرزمین، عمیقاً از اعتقادات آن متأثر بوده و این تفکر همواره عینیت کالبدی خود را در معماری تجلی بخشیده است. درونگارایی در معماری ایران تنها به عنوان ضرورت اقلیمی مطرح نبوده است؛ بلکه برای حفظ حریم شخصی کاربران بوده است. حفظ حریم شخصی کاربران در معماری ایرانی از گذشته بوده است که علاوه بر طراحی داخلی در نمای بناها هم مشهود است. مصنون بودن فضاهای داخلی مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. شاید عده‌ای نصب کاور بالکن یا پنجره‌های کوچک در ارتفاع و امثال‌هم را راحل مناسبی برای تأمین محرومیت و مصنون بودن از اشراف بدانند؛ اما باید توجه کرد که این روش‌ها، روش‌هایی تدافعی و موردي هستند که منجر به ایجاد نمای ناموزون می‌شوند. ساکنان در مواردی به تأثیر الحالات نما همچون کاور یا پنجره بالکن و تأثیر آن در آلودگی بصری نما اشاره داشته‌اند.

تغییرات فکری و نگرش آدمی در دوره‌های مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژیکی در مکان‌های متفاوت جغرافیایی، منجر به اختیار کردن روش و سبک‌های مختلف زندگی گردیده است و این خود عامل مهمی در تغییر مذاوم کالبد خانه و بالطبع نما است. تحولات تکنولوژیکی و گسترش استفاده از فناوری‌های ارتباطی نظری: اینترنت... تعاملات با دنیای مدرن موجب تغییر سبک زندگی مردم شده است. ساکنان در اظهارات خود به معناهایی نظری: بهروز، مددودمه بودن نمایها اشاره داشتند. این معناها به سبک زندگی و تأثیر آن در نما اشاره داشته است. طراحی نما همواره از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اقلیمی تأثیر پذیرفته است. در این میان، قوانین شهری نقش مهمی در ساختار نما و معنابخشی آن دارد. ضوابط طراحی نما مطابق فرهنگ و اعتقادات هر کشوری تدوین می‌شود که در برخی موارد اعمال قوانین، موجب محدودیت در طراحی نما می‌شود. این قوانین محدودکننده در برخی موارد منجر به کیفیت بصیری نامطلوب از دیدگاه ساکنان در نمای آپارتمان مسکونی شده است. ساکنان با توصیف عوامل کالبدی، نظری: پنجره کوچک یا شیشه رفلکس، پنجره نرده‌دار معنای نما آپارتمان مسکونی را سرد، تاریک و بی‌روح ارزیابی کرده‌اند. از دیگر عوامل مهم معناده‌ی نما، عرض قطعات زمین است. اراضی شهری برای تخصیص کاربری‌های مختلف به قطعاتی تفصیل می‌شود. در ایران بیشتر این قطعات به صورت مربع یا مستطیل هستند. تناسبات این قطعات نقش مؤثری در طراحی داخلی و نمای بنا به خصوص در عرصه مسکونی دارند. در اردبیل قطعات در بخش مسکونی با عرض ۱۰-۱۲ متر و به صورت کم عرض در نظر گرفته شده است و همین امر موجب محدودیت طراحان و قدرت مانورده‌ی آنها در طراحی نما شده است. معناهایی نظری: نامن، ضعیف، ناموزون که ساکنان در مصاحبه به آنها اشاره داشتند، به این زمینه پرداخته است. وضعیت اجرایی بنا، عامل دیگر معنابخشی نماست که به دو صورت مطرح شده است. در صورت استفاده از عوامل اجرایی متخصص و آموزش‌دهنده، اجرای نمای بنا با کیفیت می‌شود. در صورت عدم استفاده از نیروی متخصص اجرا و کیفیت نمای بنا ضعیف و بی‌کیفیت می‌شود. کیفیت اجرایی نما عامل مهمی در معنابخشی نما است و همین امر منجر به انتساب معنای ناموزون یا تمیز و معنای امن یا نامن یا ضعیف و قوی به نما توسط ساکنان شده است.

یکی از مهمترین واکنش مشارکت‌کنندگان در توصیف نما، ارزش اقتصادی نما بوده است. ساکنان در مصاحبه به معناهایی نظری: ارزان، گران، ارزشمند و بی‌ارزش اشاره داشتند. عامل دیگر معناده‌ی نما، کیفیت بصیری نما است که به صورت مطلوب یا نامطلوب مطرح شده است. مطلوبیت کیفیت بصیری نما که از تعامل مطلوب میان انسان و محیط از جمله نمای آپارتمان مسکونی حاصل می‌شود؛ در احساس، ادراک و بازنمایی پدیده‌ها و عناصر در عرصه ذهنی انسان تأثیری غیرقابل انکار دارد. به نظر می‌رسد این امر به نقش این عناصر در شناسایی، درک ساختار و یافتن معنی ویژه از عناصر بصیری و نحوه قرارگیری آنها در نما بازمی‌گردد. ساکنان آپارتمان‌های مسکونی با نصب الحالات و حفاظه‌ای برای محدوده بالکن جهت شخصی‌سازی فضا و به دلیل برودت هواهای اردبیل، منجر به آلودگی بصیری در مقیاس معماري می‌شوند. مصالح ناهمانگ، ترکیب رنگی نامناسب نما و استفاده از الحالات و عناصر اضافی توسط شهروندان منجر به آلودگی بصیری نما می‌شود. ساکنان در برخی موارد در توصیف نما به ویژگی بصیری نما، مانند: مصالح و ترکیب رنگی هماهنگ یا ناهمانگ نما اشاره داشتند و معناهایی نظری: هماهنگ یا ناهمانگ، جذاب یا غیرجذاب را بیان کرده‌اند. عوامل محیطی، از دیگر عوامل معناده‌ی نماست. از عوامل محیطی تأثیرگذار در معنای نما، اقلیم است. عوامل اقلیمی هر منطقه‌ای از عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری و کیفیت معماری بناهای آن منطقه است. ویژگی‌های اقلیمی و منحصر به فرد هر منطقه‌ای باعث شکل‌گیری

نماهای مختص آن منطقه می‌شود. نوع مصالح و فرم بنا، به عنوان دو عامل مهم تأثیرپذیر از اقلیم و به عنوان عامل معنابخش در نما، توسط مصاحبه‌شوندگان مطرح شد. با توجه به اقلیم اردبیل و خصوصاً سردی و گردوخاک موجود در هوا، به عنوان دو عامل مهم در کیفی یا فرسوده دیده شدن نما مطرح شده است که تعدادی از ساکنان به آن اشاره نموده‌اند. برخی از ساکنان به خاصیت گرمابخشی ترموموجوب و آجرنما اشاره داشتند؛ اما به دلیل اقلیم سرد اردبیل و آسیب‌پذیری این مصالح، آنها را نامناسب ارزیابی نموده‌اند. رسانه‌ها، عامل دیگر معناده‌ی نماست. رشد روزافزون تکنولوژی و وسائل ارتباط جمعی همچون شبکه‌های مختص اجتماعی موجب افزایش آگاهی مردم و ترجیحاتشان شده است که موجب تعییرات در ساخت و ساز و معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی شده است.

یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در معناده‌ی نما، سابقه ذهنی افراد است که در قالب زیرمقوله‌های طرحواره‌ذهنی، خاطره‌برانگیزی و تجربیات گذشته مطرح شده است. ساکنان در توصیف نما، به فضاهایی نظری: تورفتگی و روودی، پوشش گیاهی، در طرحدار در قسمت ورودی اشاره داشتند. در شرح این فضاهای به مفاهیمی نظری: حریم شخصی، حس دعوت‌کننده، زندگی، انرژی را بیان داشتند. این اجزا و ویژگی نما، امکان حس تعلق را برای اشان فراهم آورده است. سابقه ذهنی افراد در معنابخشی و ایجاد حس تعلق این فضاهای مؤثر بوده است. طرحواره‌ها به اطلاعات خام ذهنی معنا می‌بخشنند. طرحواره‌های ذهنی از طریق فعالیت‌ها و تجربه فردی و اجتماعی فرد و در اثر تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند. طرحواره‌های ذهنی اشخاص در مواجه با نمای بنا در ذهن‌شان شکل می‌گیرد و به آنها معنایی می‌دهند. این معناها، در ترجیحات مردم نسبت به نما تأثیرگذار است. برخی از ساکنان در مواجهه با نمای ترکیبی مدرن، به توصیف مصالح چوبی و تأثیر آن در تداعی کلبه در ذهن‌شان پرداخته‌اند. چوب، یادآور خانه دوران کودکی است که در ذهن‌شان بصورت کلبه ثبت شده است. بعضی از مشارکت‌کنندگان به تأثیر تماشای کارتون‌های دوران کودکی در شکل گیری این ذهنیت اشاره داشتند. برای برخی از ساکنان، بالکن مسقف شیبدار، یادآور خانه کلبه‌ای دوران کودکی است که به عنوان طرحواره ذهنی از نمای خانه در ذهن‌شان شکل گرفته است. برای برخی از ساکنان چوب به عنوان نمودی از طبیعت در نمای خانه‌شان بود و حس طراوت و تازگی داشت. همان‌طور که به اعتقاد رایپورت، ذهن انسان با استفاده از طبقه‌بندی اشکال و انگاره‌ها، طرحواره‌های را به وجود می‌آورد که بر اساس همین طرحواره‌ها به جهان اطراف خود معنی می‌دهد. از طرفی، وی معتقد است که دسته‌بندی‌های ذهنی و ساخت طرحواره‌ها متأثر از فرهنگ افراد است؛ یعنی انسان بر اساس فرهنگ خود، به اشیا و پدیده‌ها اهمیت داده و بر اساس معانی که برای آنها قائل است؛ آنها را در ذهن خود طبقه‌بندی می‌کند (Raiport, ۱۳۹۲). زیرمقوله بعدی، خاطره‌برانگیزی است. برخی از ساکنان به توصیف ویژگی نمای خانه مطابق با آنچه در ذهن‌شان و به صورت خاطره ثبت شده بود، پرداختند. در برخی موارد، معنای نمای خانه در ذهن‌شان، نمای خانه سنتی گذشته بود که از کودکی به صورت خاطره در ذهن‌شان ثبت شده است. ساکنان در شرح خاطرات خود به مواردی نظری: نماهای سیمانی آینه‌کاری شده، نماهای آجرنما و جلوه‌های پنجره‌های چوبی و قوسی شکل با شیشه‌های ارسی و نقشدار اشاره داشتند. از دیگر زیرمقوله‌های سابقه ذهنی، تجربیات گذشته است. این تجربه‌ها، باعث ایجاد معانی و تصاویر گوناگون از نماها در ذهن انسان می‌شود که این معانی به نما حس مکان و هویت می‌دهد. در برخی موارد تجربه ذهنی افراد در دریافت معنای نما مشترک می‌باشد. به عنوان مثال نمای کامپوزیت در ذهن افراد، معنای نمای شرکت را تداعی کرده است. این نماها با توجه به کاربرد مصالح در کاربری بنا به عنوان تجربه ذهنی در ذهن ساکنان شکل گرفته است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تبیین مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل توسط ساکنان پرداخته است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد اجزا نما، ویژگی‌های کالبدی و سبک‌شناختی، ویژگی آپارتمان منجر به تجربه خاصی از معنا در ساکنان می‌شود. ساکنان در توصیف نمای آپارتمان مسکونی خود با توجه به عوامل ذکر شده، به معنایی نظری: بالا، همانهنج، دلگیر، ارزان، غیره و مواردی از این قبیل اشاره کرده‌اند که منجر به شناسایی عوامل مؤثر در معناده‌ی نما شده است. این عوامل شامل عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر می‌باشد که در مصاحبه با ساکنان استخراج شده است و بصورت مدل مفهومی ارائه شده است. طراحی نما همواره از عوامل فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اقیمي تأثیر پذيرفته است. در این میان، قوانین شهری نقش مهمی در ساختار نما دارد. این مسئله در تعیین ابعاد عناصر نما و معنای حاصل از آنها تأثیرگذار است. در اکثر نقاط ایران به خصوص اردبیل، قطعات کم‌عرض موجب محدودیت طراحان در طراحی نما و عامل تأثیرگذار در معناده‌ی نما می‌باشد. نما به عنوان جزئی از معماری، انعکاسی از فرهنگ جامعه است. چشم‌وهم‌چشمی، تفکر لاکچری و تجمل گرایی منجر به تعییر سیک زندگی شهروندان در کلیه امور زندگی‌شان شده است. در این پژوهش اکثر مشارکت‌کنندگان به اهمیت بالای عوامل فرهنگی در معنای نما اشاره داشتند. تعییرات فکری و نگرش آدمی در دوره‌های مختلف در مکان‌های متفاوت جغرافیایی، منجر به اختیار کردن سبک‌های مختلف زندگی شده است و این خود عامل مهمی در تعییر مذاوم کالبد خانه و بالطبع نما است. درونگرایی در معماری ایران علاوه بر بحث اقلیمی، برای حفظ حریم شخصی کاربران بوده است. مصنون بودن فضاهای داخلی مسکن به عنوان محل امن و آرامش خانواده بایستی به گونه‌ای مناسب، از مشرف قرار گرفتن در امان بماند. شاید عده‌ای نصب کاور یا پنجره در بالکن را راه حل

مناسبی برای تأمین محرّمت و مصون بودن از اشراف بدانند؛ اما باید توجه کرد که این روش‌ها، منجر به ایجاد نمای ناموزون می‌شوند. یکی دیگر از مؤلفه‌های معناده‌ی نما عوامل اقتصادی است که مشارکت‌کنندگان به اهمیت مؤلفه اقتصادی تأکید داشتند. سابقه‌ی ذهنی فرد به صورت طرحواره ذهنی، تجربیات گذشته و خاطره‌برانگیزی در شکل‌گیری معنای نما مؤثر می‌باشد. بعضی از این مفاهیم از کودکی در شکل ذهن گرفته و در برخی موقعیت‌های خاطره یا تصاویر ذهنی است که در ذهن مشارکت‌کنندگان بروز می‌کند. ساکنان آپارتمان‌های مسکونی با نصب الحالات و حفاظه‌هایی برای محدوده بالکن جهت شخصی‌سازی فضا و به دلیل برودت هوای اردبیل، منجر به آودگی بصری در مقیاس معماری می‌شوند که همین امر به کیفیت بصری نما هم تأثیرگذار است. شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در افزایش آگاهی شهروندان و دلالت آنها در امر طراحی و بالطبع در معنای نما است. وضعیت اجرایی نمای بنا نیز در مطلوبیت کیفیت بصری نما مؤثر است.

با توجه به یافته‌های بدست آمده از تحلیل همبستگی و تحلیل کمی، می‌توان بیان نمود که روایی مدل مفهومی و روابط عوامل آن به طور کلی مورد تأیید قرار گرفته است. مدل مفهومی پیشنهادی برای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل که در مصاحبه با ساکنان استخراج شده است می‌تواند به عنوان الگویی مورد استفاده طراحان قرار گیرد تا تنها به دریافت‌های شخصی خود اکتفا نکرده و این مسئله به طراح این امکان را می‌دهد که با بهره‌گیری از فرم مطلوب و عناصر نما و مفاهیم و ذهنیات استفاده کنندگان طرح‌هایی متناسب ارائه داده و موجب پذیرش و علاقه بیشتر آن‌ها از نماهای آپارتمان‌های مسکونی باشد. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش ساکنان بودند، پیشنهاد می‌گردد مدل مفهومی معنای نماهای آپارتمان‌های مسکونی اردبیل در گروه‌های مختلف مردم با دسته‌بندی خاص سنی، تحصیلاتی، ... به صورت مجزا مورد تحلیل قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی معنای نماها برای سایر کاربری‌ها نیز استخراج شده و مورد مقایسه تطبیقی با آپارتمان‌های مسکونی قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------------|------------------------|
| 1. Facade | 10. Irwin Altman |
| 2. Facies | 11. Helmar Frank |
| 3. Face | 12. Michael Tribe |
| 4. Grounded Theory | 13. Amos Rapoport |
| 5. Kevin Lynch | 14. Lynne C Manzo |
| 6. Ian Bentley | 15. Robert Stern |
| 7. Matthew Carmona | 16. Geoffrey Broadbent |
| 8. Edward C Relph | 17. Sig |
| 9. Christian Norberg-Schulz | |

منابع

- استراس، آ.، و کوربین، ج. (۱۳۹۳). اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه مبنایی، رویکردها و روش‌ها، مترجم: بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
- بتلی، ا.، الک، آ.، مورین، پ.، گلین سو، م.، و اسمیت، گ. (۱۳۹۵). محیط‌های پاسخده، مترجم: مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- برادبنت، ج. (۱۳۸۸). با برادبنت؛ درباره معماری، مترجم: حمید ندیمی، نیلوفر رضوی، هدیه نوربخش، کیوان حورابچی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- پاکزاد، ج.، و بزرگ، ح. (۱۳۹۳). القای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۲). پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن، نشریه علمی پژوهشی هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، (۱۴): ۵۱-۶۲.
- پورجعفر، م.، و علوی بالمعنی، م. (۱۳۹۱). ویدئوکولوژی؛ بوم‌شناسی بصری در معماری و طراحی شهری، انتشارات آرمانشهر، تهران.
- توسلی، م. (۱۳۷۶). اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- خاک‌زند، م.، محمدی، م.، جم‌ف.، و آقابزرگی، ک. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدن‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی (مطالعه موردی: خیابان ولی‌عصر شهر قشم)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، (۱۰): ۱۵-۲۶.
- دهخدا، ع. (۱۳۴۵). لغت‌نامه دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران.
- راپاپورت، ا. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته شده؛ رویکرده در ارتباط غیرکلامی، مترجم: فرح حبیب، انتشارات سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری تهران.

- سالینگروس، ن. ا. (۱۳۸۷). یک نظریه معماری، مترجم: سعید زرین مهر، زهیر متکی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران.
- سلطانی، م. (۱۳۹۱). معنا، الگو و مطلوبیت در فضای معماری، رساله دکتری تخصصی معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تهران، استاد راهنمای دکتر احمد علی فرزین، استاد مشاور: دکتر سید امیر منصوری.
- فیلیک، ا. (۱۳۹۴). درآمدی بر روش تحقیق کیفی، مترجم: هادی جلیلی، انتشارات نی، تهران.
- کارمونا، م. هیت، ت.، و تیسلد، ت. (۱۳۹۴). مکان‌های عمومی فضاهای شهری: ابعاد گوناگون طراحی شهری، مترجم: فربا قرائی، مهشید شکوهی، زهرا اهری، اسماعیل صالحی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- کریر، ر. (۱۳۷۶). اجزای معماری، مترجم: زهرا اهری، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- کریر، ر. (۱۳۸۰). گونه‌شناسی عناصر پایه در معماری. مترجم: عباسعلی شاهروdi، احمد خوشنویس، انتشارات سایه‌گستر، قزوین.
- گروت، ل.، و وانگ، د. (۱۳۹۴). روش‌های تحقیق در معماری، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- گروتری، ک. (۱۳۹۰). زیبایی‌شناسی در معماری، مترجم: جهانشاه پاکزاده، عبدالرضا همایون، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- لاوسون، ب. (۱۳۹۴). زبان فضاء، مترجم: علیرضا عینی‌فر، فؤاد کریمیان، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- لنگ، ج. (۱۳۸۶). آفرینش نظریه معماری. نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، مترجم: علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- لک، آ. (۱۳۹۳). کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری، نشریه علمی پژوهشی صفو، (۶۴): ۴۳-۰۴.
- لینچ، ک. (۱۳۹۵). سیمای شهر، مترجم: منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران. تهران.
- معماریان، غ. (۱۳۹۳). مبانی طراحی معماری، انتشارات نغمه نوآندیش، تهران.
- معین، م. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی یک جلدی، نشر سرایش، تهران.
- نسبیت، ک. (۱۳۹۴). نظریه‌های پسامدرن در معماری، مترجم: محمدرضا شیرازی، نشر نی، تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۹۴). روح مکان؛ به سوی پدیدارشناسی معماری، رخداد نو، تهران.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۹۵). گزینه‌ای از معماری: معنا و مکان، مترجم: ویدا نوروز برازجانی. انتشارات پرهام نقش، تهران.
- وینترز، ا.، راس کلی، ا.، و کوپر، ک. (۱۳۷۹). مبانی فلسفی و روان‌شناسی ادراک فضاء، مترجم: آرش ارباب جلفابی، نشر خاک، اصفهان.
- هاریس س. م. (۱۳۹۳). فرهنگ تشریحی معماری و ساختمان، مترجم: محمد رضا افضلی، مهرداد هاشم زاده همایونی، انتشارات دانشیار، تهران.
- Altman, I., & Law, S. (1992). *Human behavior and environments: Advances in theory and research*. Volume 12: Place attachment, Plenum Press, New York.
- Belk, R. (2007). *Handbook of qualitative research methods in marketing*. Edward Elgar Publication, Cheltenham.
- Hershberger, R. (1980). *A study of meaning and architecture*. Institute for Environmental Studies. University of Pennsylvania.
- Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). The impact of urban facade quality on affective feelings. *International Journal of Architectural Research*, 14 (2), 219-232.
- Imamoglu, C. (2000). Complexity, preference and familiarity: Architecture and nonarchitecture Turkish students' assessments of traditional and modern house facades. *Journal of Environmental Psychology*, (20), 5-16.
- Kropf, K. (1996). Urban tissue and the character of towns. *Journal Urban design International*, (1), 247-263.
- Lee, J. H., & Ostwald, M. J. (2021). Fractal dimension calculation and visual attention simulation: assessing the visual character of an architectural facade. *Jouranal of Building*, (11), 1-22.
- Manzoo, L. C. (2005). For better or worse: Exploring multiple dimensions of place meaning. *Journal of Environmental Scychology*, (25), 67-86.
- Moughtin, C., Taner, Oc., & Tiesdell, S. (1995). *Urban design: green dimensions*. Butterworth Architecture Press, Great Britain.
- Moughtin, C., & Tiesdell, S., & OC, T. (1999). *Urban design: Ornament and Decoration*. Second Edition, Oxford, Architectural Press.
- Mutlu Danaci, H., & Kiran, G. (2020). Examining the factor of color on street facade in contex of the perception of urban aesthetics: Example of Antalya. *International Journal of Curriculum and Instruction*, (12), 222-232.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, (30), 1-10.
- Tribe M. (1974). *Stadtgestaltung Theorie und Praxis*, English Edition. Bertelsmann.
- Whyte, W. (2006). How Do Buildings Mean, Some Issues of Interpretation In The History of Architecture. *Journal of History and Theory*, (45), 153-177.
- Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). Influence of visual elements in building facades in the formation of experiential perception. In *Research Into Design For A Connected World*. Springer.

A conceptual model of facades meaning in the residential apartments from the viewpoint of residents (Case Study: Ardabil City)

Masumeh Alamrasi, Ph.D. Student of Architecture, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Ghasem Motalebi, Associate Professor, Department of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

Manouchehr Foroutan, Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (m.foroutan@iauh.ac.ir)

Sara Jalalian, Assistant Professor, Department of Architecture, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Received: 2021/4/26 Accepted: 2021/8/3

Extended abstract

Introduction: The facade of a building is the essential element expressed by architecture. It has a significant impact on the viewer's sensation and perception. The facade is the first component that people see when looking at a building, and they continuously "experience" it as they approach the building. Most studies about building facades have an urban planning approach to this subject, and it has not seen much scholarly attention from the perspective of architecture. Considering that there is no specific theory or model about the meaning of facades in architecture and since contextual factors such as culture, social conditions, and economic status affect the meaning of facades, the grounded theory was used to conduct this study.

Methodology: This research use a mixed method. The qualitative part was performed using the grounded theory. The required data were collected using in-depth semi-structured interviews with the residents of Ardabil City. The sample population consisted of 25 individuals (16 women and nine men) who lived in residential apartments in Ardabil. Both physical characteristics (the geographical location, number of floors, and style of the buildings) and non-physical characteristics (the residents' age and duration) constituted the selection criteria. The possibility of direct communication with the residents and performing spatial analysis were among the control criteria for choosing the sample population. The collected data were analyzed using the MAXQDA software, and the results were used to develop a conceptual model. The quantitative part was performed using correlation analysis. The data collection tool was a researcher-made questionnaire the validity and reliability of which were thoroughly examined. A total of 31 structured questions were posed to the citizens for testing the variables, and the conceptual model's validity was subsequently established.

Results: In describing the appearance of their residential apartments, the participants used such terms as authentic, harmonious, grim, cheap-looking, which were used to identify the factors that determine the meaning of facades and develop a conceptual model. Facade design is influenced by cultural, economic, political, and climatic factors. Urban regulations and land lots with small widths tend to limit designers. Social networks have increased public awareness, and the resulting changes in people's attitudes necessitate the adoption of different lifestyles and constant changes in building facades. Adhering to the principle of introversion in the Iranian architecture, installing covers and windows in the balconies to ensure privacy was found to have resulted in unbalanced facades and visual pollution, affecting the visual quality of the studied facades. Alongside construction, quality is also influential in shaping the meaning of a facade.

Conclusion: This research shows that facade components, physical and stylistic features, and apartment characteristics collectively lead to a unique experience of the meaning of the facade. Correlation analysis and quantitative analysis confirmed the validity of the conceptual model and the relationships of its factors. Designers can use this model to go beyond their perceptions and produce attractive and accepted designs by using desirable forms and facade components and considering the users' mindsets. Since the sample population of this study consisted of the residents of Ardabil, it is suggested that this conceptual model be applied to different groups of people of various ages and education and be analyzed separately for each group.

Keywords: meaning of facade, residential apartments of Ardabil, grounded theory, façade.